

شعر بی‌تاب دریا*

نبره‌سادات هاشمی

این مجموعه دربردارنده ۱۳ اثر در قالب چهارپاره و یک شعر نیمایی برای مخاطبان نوجوان است.

موضوع بیشتر آثار، تازه است. شاعر به موضوع‌هایی پرداخته که در شعر نوجوان کمتر به آن توجه شده است. مثل: فضای کوچه در شب، قایق تنها که در آرزوی دریاست، خانه کلنگی (شعر یادگاری). شاعر در بعضی از این آثار نگاه کاملاً متفاوتی دارد. نگاه او در این مجموعه یک نگاه شاعرانه و در عین حال واقع‌گراست. او جهان پیرامونش را آن‌طور که هست می‌بیند، نه آن‌طور که دلش می‌خواهد. مثلاً در شعر سهم (ص ۲۰) تعریضی زیبا به عدم رعایت حق زیستن ماهی‌ها از سوی مردم دارد.

«تُنگ ماهی کوچک

تُنگ ماهی تُنگ است

قطره قطره، در آب

اشک او گم شده است

خودش این‌جا، دریا

سهم مردم شده است.»

یا در شعر مهمانی، یلدایی که او در این شعر آن را توصیف می‌کند با حال و هوای یلداهای امروزی کاملاً متناسب است. همان‌طور که شاعر در این شعر می‌گوید:

«سیب و آجیل و انار

همه آن‌جا بودند

* کتاب ماه کودک و نوجوان؛ شماره ۱۵۹؛ دی ۱۳۸۹. این مقاله نقدی است بر کتاب *از ابتدای غنچه تا انتهای گل*؛ سروده داود لطف‌الله، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۹.

همگی مهمان
شب یلدا بودند
جای خالی کسی
بین شان پیدا بود
باز هم برف امسال
غایب یلدا بود»

نشانه‌ها (موتیف)های مشترک

در شعرهای این کتاب، واژه‌ها و ترکیب‌هایی وجود دارند که از بسامد بالایی برخوردارند. البته وقتی این موارد از واژه به ترکیب و نشانه‌های تصویری می‌رسد، موجب گسترده‌تری مضمون اثر می‌شود.

بسامد بالای این کلمات و ترکیبات، نشانه‌هایی هستند که ذهنیت سراینده را در هر اثر و به‌طور کلی مجموعه آثار کتاب، شکل می‌دهند. در چنین وضعیتی واژه‌ها نقشی بیشتر از تکمیل کلام دارند. چون تبدیل به نشانه‌هایی می‌شوند که می‌توان با تأمل در آن‌ها به سبک و دیدگاه صاحب اثر پی برد. از سوی دیگر «موتیف در ساختارهای کلامی می‌تواند در تقویت سویی‌ی درونی کلام، نقش مهمی داشته باشد و به مثابه یک نقش‌مایه به خدمت زبان شعر درآید. این موتیف تا وقتی که تک‌معنایی است، فقط یک نشانه است. اما وقتی که با غنی‌شدن بار معنایی، به ژرفابخشی محور معنایی شعر کمک می‌کند و در محور جانشینی کلام جانشین معناها یا مفاهیم دیگر می‌شود، یک موتیف نمادین شده است و در بحث سمبل یا نماد قابل اهمیت است. به عبارت دیگر، در این مواقع، نه فقط در خدمت «سویه‌های برون‌ی» بلکه در خدمت «سویه‌های درونی» کلام قرار می‌گیرد»^۲

از جمله این کلمات و ترکیب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

■ پنجره:

سراینده این کتاب از کنار پنجره به بسیاری از مضمون‌های مد نظرش می‌نگرد و گاه از آن با لفظ شیشه یاد می‌کند:

«لحظه‌ها، غرق سکوت

من کنار پنجره»

(خیال - ص ۱۵)

«یک پنجره پُر از خاک

با دست‌های بسته»

(یادگاری - ص ۱۷)

«پشت شیشه ابر سرد

گرم باران‌سازی است»

(بازی - ص ۲۷)

«یک پرنده می‌کشم

بر غبار پنجره»

(بازی - ص ۲۸)

«می‌رود از پنجره

می‌پرد تا آسمان»

(بازی - ص ۲۸)

■ دریا و ساحل:

«دریا دوباره آمدم

با یک نگاه ساحلی»

(یک قطره دل - ص ۱۱)

«دریا مرا با خود ببر

تا دور از این ساحل شوم

این قطره دل را بگیر

تا با تو دریادل شوم»

(یک قطره دل - ص ۱۱)

«این سو منم ساحل نشین

آن سو تویی پُر موج و چین»

(یک قطره دل - ص ۱۲)

«قایقی تنه‌ایم

در کنار ساحل

دل من در دریاست...»

(آرزو - ص ۱۳)

«خنده‌دار است ولی

آرزویم دریاست»

(آرزو - ص ۱۳)

«خودش این جا

دریا سهم مردم شده است»

(سهم - ص ۲۱)

«جزیره، چون پرنده

حصارش، آب دریاست»

(تنه‌ایی - ص ۲۴)

«نگاهش شعر رفتن

تنش در قعر دریاست»

(تنه‌ایی - ص ۲۵)

«اشک از دو چشمت می چکید

از گونه‌ات دریا گذشت»

(سفر - ص ۳۲)

«به روی ماسه‌های ساحل خیس

به روی موج دریا می نویسم»

(خطاط - ص ۳۴)

■ پرنده:

«امروز خانه پیر
خالی ست از هیاهو
خالی ست از پرنده
حتی صدای جارو»
(یادگاری - ص ۱۸)
«جزیره، چون پرنده
حصارش، آب دریا»
(تنهایی - ص ۲۴)
«یک پرنده می‌کشم
بر غبار پنجره»
(بازی - ص ۲۸)

■ پر زدن:

«به سوی ابرهای پُر غروب می‌پَرنند»
(عروسی - ص ۸)
«می‌رود از پنجره
می‌پَرد تا آسمان»

و

«می‌شود با باد دوست
می‌پَرد تا ابرها»
(بازی - ص ۲۸)

■ ترکیب «دست و پاهای گلی»:

«با چشم‌های خیس شوق
با دست و پاهای گلی»
(یک قطره... - ص ۱۱)

«دل من در دریاست

دست و پایم در گل»

(آرزو- ص ۱۳)

وجود این نشانه‌ها می‌توانند نمادی از آرزوی رسیدن به عدم تعلق، رهایی، آرامش و تکرار سادگی‌های کودکان باشند.

به این کلمات می‌توان واژه‌های دیگری چون: دل، موج، تنها و خالی را نیز افزود که در شعرهای این دفتر، فراوانند.

نوآوری در مضمون:

به نظر می‌رسد ادبیات کودک و نوجوان برای رسیدن به ساختار، مضمون و موضوع تازه و رهایی از کلیشه‌هایی که هم‌اکنون درگیر آن شده است به شدت نیاز به نگاه متفاوت دارد. شعر امروز کودک و نوجوان نیاز به آشنایی‌زدایی در انتخاب واژه‌ها و ترکیباتی دارد که سال‌هاست درگیر آن است و شاید یکی از راه‌های آن، نگاه به موضوعات تازه باشد. شاعران این گروه سنی آن قدر که به برخی موضوع‌ها مثل نوستالژی بازگشت به روستا و نشانه‌های طبیعت (مثل باران و خورشید چشمه و پاییز و بهار و...) پرداخته‌اند، از توجه به فضاهای دیگری که دغدغه‌ی زندگی عادی کودکان و نوجوانان است، غافل بوده‌اند. البته در سال‌های اخیر حرکت‌های تازه‌ای دیده شده است. در این باره می‌توان از توجه به موضوع‌های عاشقانه و نگرش‌های متفاوت به طبیعت در آثار شاعرانی چون مصطفی رحماندوست و ناصر کشاورز، و استفاده از قالب‌های نو در شعر کودک و نوجوان، در آثار کسانی چون افسانه شعبان‌نژاد و علی اصغر سیدآبادی اشاره کرد.

داوود لطف‌ا... نیز از جمله شاعرانی است که سعی دارد نگاه‌های متفاوتی را در موضوع و مضمون آثارش تجربه کند. در شعرهای این کتاب می‌توان نمونه‌هایی از آن را دید. در آثاری مثل:

- شب کوچه (ص ۵):

شب کوچه موضوعی است که کمتر در شعر- خصوصاً آثار کودک و نوجوان- به آن پرداخته

شده است. تصاویر زیبایی می‌توان در این شعر یافت. مثل:

«قلب او خالی است از قدم‌ها

از هیاهو و فریاد و خنده

از نفس‌های تند دویدن

توپ‌بازی و جیغ برنده»

- آرزو (ص ۱۳):

سوژه شعر قایقی فرسوده است که با پشت سر گذاشتن سال‌های جوانی، حالا در آرزوی رفتن به دریا است:

«قایقی تنه‌ایم

در کنار ساحل

دل من در دریاست

دست و پایم در گل...

...گرچه او هر لحظه

روبه‌رویم پیدا است

خنده‌دار است، ولی

آرزویم دریاست!»

یا تصویرهایی که از آسمان و شب برفی در شعر خیال (ص ۱۵) ارایه می‌دهد:

«در خیالم آسمان

بر سر این کوچه‌ها

باز قیچی می‌کند

ابرهای خیس را

...

... در خیالم کوچه‌ها

از سر شب تا هنوز

پاک سرما خورده‌اند

توی این سرما و سوز»

همین طور در شعر یادگاری (ص ۱۷):

«یک خانه کلنگی است

در قاب چشم‌هایم

یک بند رخت بی رخت

افتاده زیر پایم

یک پنجره، پُر از خاک

با دست‌های بسته

یک در، شکسته و پیر

با چارچوب خسته...»

زیبایی‌های زبانی:

وجود برخی ترکیب‌های زیبا از جمله اتفاق‌های زبانی در این مجموعه هستند. مثل: «ابراهای پُرغروب» این ترکیب به درستی تداعی‌کننده سرخی خاص ابرها در هنگام غروب است. هم چنین از این دست‌اند: «نفس‌های تند دويدن» (شعر شب کوچه) و «نگاه ساحلی» (شعر یک قطره دل)

یا استفاده از فعل «باران ساختن» برای ابر به جای «باران باریدن» در این بیت بسیار زیباتر و امروزی‌تر است:

«پشت شیشه ابر سرد

گرم باران‌سازی است» (ص ۲۷)

البته شاعر در این مجموعه باز هم از ترکیبات رایج در زندگی امروز استفاده می‌کند. مثل: «خانه کلنگی» و «بساز به فروش» در شعر «یادگاری».

تکرارهای زیبا:

بسامه تکرار واژه بیشتر از تکرار مصرع‌ها در این کتاب است. از نمونه‌های آن است:

«یک بند رخت بی‌رخت» (ص ۱۷)

«از روزهای دیروز

از روزهای رفته» (ص ۱۹)

در شعر سه‌م، تکرار تُنگ ماهی در بیت نخست- ضمن در نظر گرفتن زیبایی جناس موجود در مصرع دوم- شباهت و نزدیکی دو واژه‌ی «تنگ» و «تنگ» بازتاب تصویر مد نظر شاعر را بیشتر می‌کند.

از موارد دیگر تکرار در شعرهای این مجموعه می‌توان به مثال‌های زیر اشاره کرد:

«او به من خیره، من خیره در او» (کوچه- ص ۶)

این سو منم یک قطره دل

آن سو تویی

آبی‌ترین

این سو منم، ساحل‌نشین

آن سو تویی

پُرموج و چین (ص ۱۲)

تصویرهای زیبا:

«کوچه وقتی که پَر می‌زند روز

منتظر توی فکر غروب است» (ص ۶)

یا این تصویر:

«مثل شمعی آرام

در خودش می‌سوزد

اشک را بر گونه

بی‌صدا می‌دوزد»

... و در همین شعر:

«غصه را با بوسه

از دلش می‌گیرم» (ص ۱۰)

اگرچه چندان نو نیست؛ اما زیباست. همین‌طور تصویر زیبا و ملموسی که از پنجره یک خانه قدیمی و کُلنگی ارایه می‌کند:

«یک پنجره پُر از خاک

با دست‌های بسته» (ص ۱۷)

و موارد دیگری از این کتاب مثل:

«از ابتدای غنچه

تا انتهای یک گل

دنبال عشق بودم

در شعرهای بلبل»

و

«از ابتدای واژه

تا آخر همین شعر

دنبال عشق بودم

تا شد تمام این شعر»

(ص ۲۹ و ۳۰- ابتدای فکر)

«از لحظه‌های ترد درد

از لحظه خاکستری»

و

«اشک از دو چشمت می‌چکید

از گونه‌ات دریا گذشت»

(ص ۳۱ و ۳۲- سفر)

«به روی شیشه خیس زمستان

تو را با دست خالی می‌نویسم»

و

«تو را با خط زیبای شکسته

به روی برگ گل‌ها می‌نویسم»

(ص ۳۳ و ۳۴- خطاط)

در بیت اخیر تناسب زیبای خط شکسته با برگ گل‌ها هم قابل توجه است.

این مجموعه مثل هر مجموعه دیگری نقاط ضعف هم دارد.

مسلماً هیچ اثری کامل نیست. از طرف دیگر با دقت در این کاستی‌ها می‌توان آثار خوبی را در آینده خلق کرد. از جمله نقاط ضعف موجود در این مجموعه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ضعف‌های ساختاری:

علی‌رغم زیبایی‌های زبانی که از آن‌ها در این کتاب نام برده شد؛ بعضی از آثار دچار سهل‌انگاری‌هایی در زبان هستند. مثل:

استفاده از ترکیب‌های ضعیف یا کلیشه‌ای:

«دل نرم شیشه» (از شعر شب کوچه) نه تنها ترکیب زیبایی نیست، بلکه نمی‌تواند منظور شاعر به خوبی منتقل کند. چون واژه نرم وقتی به دل بازمی‌گردد، تداعی‌کننده مهربانی است. اما وقتی به شیشه بازمی‌گردد، تداعی‌کننده عدم و نیستی است. همین‌طور ترکیب «ماهی غم» ترکیبی کلیشه‌ای و ناقص است.

«توی حوض چشمش

چند تا ماهی غم

دور هم می‌چرخند

تک و تنها با هم»

کاملاً مشخص است که در تنگنای موسیقی واژه غمگین به غم تغییر یافته است. ضمن این‌که تشبیه چشم مادر به «حوض» اصلاً تشبیه زیبایی نیست.

در همین شعر، به بیتی می‌رسیم که در آن از واژه «دلگیر» برای اشاره به مضمون رنجیدگی

استفاده شده است:

«می‌روم پهلویش

از غمش دلگیرم...»

اگرچه معنای لغوی دلگیر به تنهایی اشاره به گرفتگی دل دارد؛ اما وقتی این واژه در تکمیل جمله‌ای می‌آید برداشت رایج از آن «رنجیدگی و دلخوری» است. در صورتی که شاعر در این بیت می‌خواهد به ناراحتی و غم خود به خاطر غم مادر اشاره کند.

ضعف تألیف:

در بسیاری از مجموعه‌های شعر - خصوصاً آثار کلاسیک به دلیل تنگنای رعایت موسیقی - از این دست ضعف تألیف‌ها دیده می‌شود. ولی غالباً ضعف‌های تألیفی بیشتر به دلیل کم‌توجهی های شاعر شکل می‌گیرند. از این دست هستند. نمونه‌های زیر در این مجموعه:

در این قسمت از شعر «یادگاری»:

«تا یک بساز به فروش

یک بار دیگر از سر

یک خانه را بسازد

با سنگ‌های مرمر»

در واقع جمله‌ی اصلی چنین بوده است: «خانه‌ای با سنگ‌های مرمر بسازد.» که می‌شد به جای خانه را، خانه‌ای آورد که زیباتر هم می‌شد. هم‌چنین برعکس تکرارهای زیبایی که در این کتاب و در همین شعر از آن نام برده شد، تکرار واژه‌ی «یک» در این شعر خوشایند نیست.

نمونه‌ی دیگر، استفاده از واژه‌ی «آرامی» در این بیت از شعر «شب کوچه» است:

«می‌شود لحظه‌هایش چه آرام

مثل آرامی بچه در خواب»

کاربرد این واژه در این‌جا اگرچه غلط نیست؛ اما زیبا هم نیست. شاعر می‌توانست به جای آن از اسم مصدر «آرامش» استفاده کند.

در شعر نیمایی عروسی (ص ۷) هم شاعر ضمن استفاده از سوژه و موضوعی تکراری (عروسی دو یا کریم تنها در خیال شاعر) سطری از شعر را این‌چنین می‌آورد: «و دور می‌شوند از سکوت

کوچه‌ها و سیم» با وجود «واو» عطف بین کوچه‌ها و سیم، سکوت به هر دوی آن‌ها عطف می‌شود. ترکیب «سکوت کوچه»- اگرچه هیچ تناسبی با غروب ندارد- چون غروب‌ها کوچه‌ها غالباً ساکت نیستند- قابل پذیرش است. ولی منظور از «سکوت سیم» چیست؟!

در شعر «ماهی‌های شاد» نیز، ضعف دستوری وجود دارد. ضمیر «ش» در «چشمش» که در پایان مصرع اول پارهٔ دوم آمده، به مادر برمی‌گردد؛ در حالی که بین «حوض چشم مادر» و «توی حوض چشمش»، دو مصرع که دربارهٔ حوض خانه است، فاصله انداخته و این فاصله، مانع از برگشتن ضمیر «ش» در «چشمش» به مادر می‌شود:

«حوض چشم مادر
باز هم پُر آب است
حوض خانه بی‌آب
خالی از مهتاب است
توی حوض چشمش
چند تا ماهی غم
دور خود می‌چرخند
تک و تنها با هم»
ضعف ارتباط:

گروه سنی این کتاب چنان‌که از ظاهر کتاب پیداست، گروه «د» و «ها» است. ولی شعرهایی هم در کتاب هست که چندان مناسب گروه سنی «د» نیست و بیشتر متناسب با گروه سنی بالاتر هستند. شعر ابتدای فکر (ص ۲۹) چنین اثری است. چون بیشتر از این‌که شعر ساده باشد، یک سری کلی‌گویی است. تصاویر ارایه‌شده در این شعر بسیار انتزاعی هستند. شعر سفر هم چنین است، ضمن این‌که در مقایسه با سایر آثار این مجموعه در مضمون و فضا تصاویری تکراری و کلیشه‌ای دارد.

شعر «خطاط» هم اگرچه تصاویر زیبایی دارد، اما محور عمودی آن پیوسته نیست. چون در بند اول این شعر، خطاط خود شاعر است. تمام ضمایر در دو بند اول به شاعر بازمی‌گردد؛ اما در بند سوم (آخر) ناگهان و بی‌مقدمه این خطاب تغییر کرده و به خداوند و ضمیر دوم شخص

تغییر می‌یابد.

در مجموع این کتاب اثری قابل توجه در میان شعرهای نوجوانِ امروزی است. ضعف‌های آن با توجه به برجستگی‌هایی که در مجموعه دیده می‌شود، چندان به نظر نمی‌آیند. در انتهای این بحث برای آشناتر شدن ذهن خوانندگان با شعرهای این مجموعه، یکی از آثار خوب این کتاب آورده می‌شود تا حُسن ختامی بر این جستار باشد. «تنهایی» اثر زیبایی است که به جز داشتن تمام وجوهات یک اثر خوب، موضوع بسیار تازه‌ای هم دارد.

«جزیره سبز و زیبا

ولی تنهای تنهاست

جزیره، چون پرنده

حصارش آب دریاست

جزیره خواب‌هایش

پُر است از موج و پارو

پُر است از آب و قایق

سفر کردن به هر سو

سفر اما برایش

شبیهِ خواب و رؤیاست

نگاهش شعرِ رفتن

دلش در قعر دریاست

جزیره، دور و تنها

چه بی‌نام و نشان است

سکوتش مثل فریاد

دلش آتش فشان است!»

پی نوشت:

1- Motif

۲. پروین سلاجقه، *از این باغ شرقی*، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳.